

حمامان مصدق

حسن صنوبری
شعرهای نیمایی



سهم صنایع و ادبیات

بر شناسه: صنوبری، حسن، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور: خیابان مصدق؛ از نیمایی‌های این
سال‌ها، حسن صنوبری؛ برای سازمان تبلیغات اسلامی،
حوزه هنری، دفتر آفرینش‌های ادبی، دفتر شعر.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.
فهرست: شعرهای نیمایی.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۳۳۹-۸
وضعیت فهرست‌گذاری: فبا
یادداشت: عنوان دیگر: از نیمایی‌های این سال‌ها.
عنوان دیگر: از نیمایی‌های این سال‌ها.
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری
مرکز آفرینش‌های ادبی، دفتر شعر
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده‌بندی کنگره: PIR1۱۳۴
رده‌بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۶۹۰۰۶



باسم
موسسه
فرهنگی
این کتاب
مهرکت
نماید.

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

مرکز آفرینش های ادبی / دفتر شعر



www.sooremehr.ir

خیابان مصدق

از نیمایی های این سال ها

نویسنده: حسن صنوبری

طراح جلد: حمید القدسی

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۲۲۷۶-۸

نشانی انتشارات: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت،

پلاک ۳۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب: تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۴۸-۱

فروشگاه اصفهان: اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۳۱-۲۲۲۴۷۷۳۵-۶

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

۳۰۰۰۵۳۱۹

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف ehisama در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر ۵۰٪ تخفیف بگیرید.



خود را آن قدر شاعر نمی‌دانم که بتوانم مقدمه‌ای جامع بر کتابم بنویسم و خیال کنم روزی ارزشی علمی و تاریخی خواهد یافت، مثل یک بیانیه ادبی. همچنین، شعرهایم را آن قدر شاهکار نمی‌دانم که بگویم خودشان همه حرف‌ها را زده‌اند و دیگر نیازی به مقدمه نیست. پس مجبورم چیزی بین این دو را انتخاب کنم: یک یادداشت کوتاه مخصوصاً که دوست دارم فکرهایم درباره شعر را کنار مشق‌های شعری‌ام نوشته و با دیگران در میان گذاشته باشم؛ شاید به کار کسی آمد. قبلاً در وبلاگم نوشته بودم فرق شعر و داستان به نظر این است که نویسنده دنبال شکار کردن است و شاعر دنبال شکار شدن. نویسنده در پی خلق موقعیت‌هاست و شاعر در پی بازتاب حقیقت‌ها. نویسنده می‌خواهد بگوید، شاعر می‌خواهد بشنود. اگر می‌بینیم شاعر حرف می‌زند، در حقیقت شنیده‌اش را باز می‌گوید. می‌گویید: «کدام شنیده؟ گفته‌ها و نوشته‌های دیگران؟» نه، منظورم این نیست. می‌پرسید: «منظورت چیست؟» می‌گویم منظورم را نمی‌توانم در نثر به‌خوبی بیان کنم. نمی‌توانم نام قطعی و منطقی و علمی و دانشگاه‌پسند

درستش را بگویم. چیزی شبیه «زبان هستی» یا «سخن زمانه» یا «معنای زندگی» یا «آواز درون» یا ... شاعر دنبال شنیدن و سپس بازگویی چنین سخنی است. شعر همین است و به همین خاطر همواره تاریخ‌مند و جغرافیامند است، هرچند ذیل شعر نوشته باشد مثلاً «اسفند ۱۳۹۸، تهران». تاریخ و جغرافیا و اجتماع و فردیت و... در جسم و روح شعر تنیده شده. چون شعر یک امر انسانی است، البته از شعر آزاد و حقیقی سخن می‌گویم نه شعر تجاری و صنعتی. برای سرودن این چنین شعری شاعر همواره درگیر نبردی روح‌فرساست؛ پیش از همه با خود. همواره رنج می‌کشد و همواره تردید دارد به میزان خلوص و رهایی خویش. فردوسی و حافظ و سنایی و نظامی و باباطاهر و بیدل و... آن‌هایی‌اند که کمترین زنگارها را برای این اینگی داشته‌اند و بیشترین پیروزی‌ها را برای آن نبرد. خوشا به حالشان!

به خیابان مصدق برگردیم: شعر نو یا هیمایی تنها قالبی نیست که در آن مشق شعر می‌نویسم، اما از محبوب‌ترین‌هایم است. چه اینکه هم به موسیقی (وزن و قافیه)، که جزو زیبایی‌شناسی و توان‌مندی‌های شعر فارسی است، مجهز است و هم به آزادی و تکلف‌ستیزی متعهد. و البته که باور دارم این پیام و معناست که پیکره و ساختار را انتخاب می‌کند. شعری که غزل است، غزل نشده، غزل بوده. قطعه، غزل سربریده نیست، رباعی همان دوبیتی نیست که وزنش فرق کرده باشد و شعر نو را هم نمی‌توان با قیچی کردن سطرها به‌وجود آورد.